

Ecocriticism of Moniro Ravanipour's Ahl-e-Ghargh

Fatemeh Shahbazi 

Ph.D. Student in Persian Language and Literature, Ramhormoz Branch, Islamic Azad University, Ramhormoz, Iran

Mansoureh Tadaioni  -

Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Ramhormoz Branch, Islamic Azad University, Ramhormoz, Iran

Sima Mansouri 

Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Ramhormoz Branch, Islamic Azad University, Ramhormoz, Iran

Masoud Pakdel 

Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Ramhormoz Branch, Islamic Azad University, Ramhormoz, Iran

Abstract

One of the main axioms of eccentric criticism is the examination of the interrelationship between humans and the environment. This type of criticism seeks to understand how human attitudes to nature and how environmental issues are reflected in literary works and to analyze the impact that human beings have on nature and the physical and psychological properties of humans in literary works. In Moniro Ravanipour's Ahl-e-Ghargh, nature is not only regarded as the scene of events but as the main context of the story itself, the agent of events and the advancing events, directly affecting the characters and interacting with humans and their decisions. In this story, the characters sometimes find themselves exposed to the power of the sea as part of submissive wildlife, and sometimes it is nature that inevitably interferes with man and his power. In this story, the characters are sometimes frightened and wandering against nature, sometimes mingling with nature and resting in its lap.

Keywords: Environment, Ahl-e-Ghargh, Nature, Moniro Ravanipour, Ecocriticism.





The present paper is adapted from a Ph.D. thesis on Persian Language and Literature, Ramhormoz Branch, Islamic Azad University.

– Corresponding Author: ms.tadayoni@gmail.com

How to Cite: Shahbazi, F., Tadaioni, M., Mansouri, S., Pakdel, M. (2023). Ecocriticism of Moniro Ravanipour's Ahl-e-Ghargh. *Literary Text Research*, 26(94), 233-260. doi: 10.22054/LTR.2020.48847.2904



نقد بوم‌گرایانهٔ رمان اهل غرق منیر و روانی پور

- فاطمه شهبازی  دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد رامهرمز، دانشگاه آزاد اسلامی، رامهرمز، ایران
- منصوره تدینی * استادیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد رامهرمز، دانشگاه آزاد اسلامی، رامهرمز، ایران
- سیما منصوری  استادیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد رامهرمز، دانشگاه آزاد اسلامی، رامهرمز، ایران
- مسعود پاکدل  استادیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد رامهرمز، دانشگاه آزاد اسلامی، رامهرمز، ایران

چکیده

یکی از محورهای اصلی نقد بوم‌گرا "Ecocriticism" بررسی ارتباط متقابل انسان و محیط‌زیست است؛ این نوع نقد نحوهٔ نگرش انسان به طبیعت و چگونگی بازتاب مسائل زیست‌محیطی در آثار ادبی را بررسی می‌کند و تأثیری را که انسان بر طبیعت و طبیعت بر ویژگی‌های فیزیکی و روانی انسان دارد، مورد واکاوی قرار می‌دهد تا با در نظر گرفتن ملاحظات زیست‌محیطی، به بهبود نگرش انسان به طبیعت و در پی آن، اصلاح رفتار بشر با طبیعت بپردازد. در رمان اهل غرق منیر و روانی پور، طبیعت تنها مکان رویداد حوادث تلقی نمی‌شود؛ بلکه به‌عنوان بستر و زمینهٔ اصلی داستان، خود عامل پیشبرد حوادث است و به‌طور مستقیم بر شخصیت‌ها اثر می‌گذارد و همچنین به‌طور متقابل تحت تأثیر انسان‌ها و تصمیمات آن‌ها قرار می‌گیرد. در این داستان، شخصیت‌ها گاه خود را در مقابل قدرت دریا به‌عنوان بخشی از حیات وحش، مطیع و ناتوان می‌دانند و دچار وحشت و سرگردانی می‌شوند و گاه آن را دستخوش قدرت‌طلبی خویش قرار می‌دهند و گاهی نیز با طبیعت می‌آمیزند و در دامانش به آرامش می‌رسند.

کلیدواژه‌ها: محیط‌زیست، اهل غرق، طبیعت، منیر و روانی پور، نقد بوم‌گرا.

مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رامهرمز است.

*نویسنده مسئول: ms.tadayoni@gmail.com

مقدمه

در ادبیات داستانی معاصر ایران، مکتب جنوب یکی از برجسته‌ترین مکتب‌های داستان‌نویسی فارسی است؛ مکتبی که می‌توان گفت بر اثر تقابل میان سنت و مدرنیسم شکل گرفته است؛ مردمی با شکل زندگی سنتی و کاملاً ناآشنا با مؤسسات نفتی و تجهیزات مربوط به آن، درگیر تبعیض می‌شوند و در مدتی اندک، عناصر بومی‌شان را در حال غارت و نابودی می‌یابند؛ بنابراین تنوع فرهنگی و آمیختگی شکل‌های گوناگون زندگی در جنوب ایران به سبب موقعیت تجاری و اقتصادی و تنوع جغرافیایی آن در کنار هم و آمیزش آن‌ها با صنعت نفت و مسائل مربوط به آن، به داستان‌های این منطقه از کشور سبکی ویژه بخشیده است.

در داستان‌های اقلیمی جنوب با سه‌گونه توصیف از طبیعت مواجهیم: ۱. محیط دریایی، ۲. محیط بیابانی و نخلستانی و ۳. محیط کارگری و صنعتی. (صادقی شهپیر، ۱۳۹۷) به داستانی که دریا زمینه اصلی‌اش باشد و حوادث و شخصیت‌ها به شکلی پویا بر دریا متکی باشند، «داستان دریایی» یا "Sea Story" (Bluefarb, 1959) می‌گوییم؛ بر این اساس رمان اهل غرق را نیز می‌توان یک داستان دریایی نامید؛ روانی‌پور که خود زاده روستای جفره در جنوب ایران است، زمینه اصلی داستانش را بر پایه طبیعت جنوب به‌ویژه دریا بنانهاده است و از آنجا که یکی از موضوعات مهم نقد بوم‌گرا، بررسی تأثیر انسان بر طبیعت و بالعکس تأثیر طبیعت بر انسان و ویژگی‌های فیزیکی و روانی اوست، در این داستان نیز می‌توان تأثیر متقابل انسان و طبیعت را - که دریا به‌عنوان بخشی از حیات وحش در آن برجسته می‌نماید - بررسی کرد.

بسیاری از پژوهشگران برجسته ادبیات داستانی از جمله رضا سید حسینی (سید حسینی، ۱۳۹۴) اهل غرق منیر و روانی‌پور را از نمونه‌های موفق رئال جادویی می‌دانند؛ زیرا همان‌طور که می‌دانیم و در این رمان نیز برجسته می‌نماید، گرایش به رئالیسم جادویی ناشی از بحران دگرگونی ارزش‌ها است؛ به تعبیری دیگر رئالیسم جادویی سبک بیان شکافی است که بر اثر ورود تجدّد به جوامع سنتی ایجاد می‌شود. (میرعابدینی، ۱۳۸۷)

رمان با حضور آبی دریایی آغاز می‌شود؛ موجودی که هستی‌اش به دریا بسته است. باور اهل جفره این است که این آبی‌ها و بوسلمه می‌توانند روی نیکشان را نشان دهند و با دست یافتن به زیباترین جوان آبادی و بارور کردن مروارید در دهان ماهی کوچک، مردم را تا ابد از جست‌وجوی نان رها کنند و هم می‌توانند بدکردار باشند و دلیرترین ماهیگیر را به کام دریا بکشانند؛ اهل غرق حکایت مردمان دیاری است که برای گذران زندگی و تأمین نان، در گیرودار دائمی با دریا و ساکنانش هستند؛ همهٔ امورات مردم جفره، به دریا بستگی دارد و ترس مردم از خشم دریا همیشگی است؛ البته نکتهٔ روشن در داستان این است که دریا به خودی‌خود خشمگین یا آرام نمی‌شود؛ این ساکنان دریا هستند که از عکس‌العمل جفره‌ای‌ها خشمگین می‌شوند؛ بنابراین مردم باید تلاش کنند که بوسلمه و آبی‌ها را راضی نگه دارند تا روزی شان قطع نشود و جوانان به کام دریا کشیده نشوند. اهل جفره برای آرام کردن «بوسلمه» باید خون‌مه‌جمال را که شخصیتی واقعی - دریایی دارد، به دریا بریزند؛ شاید آنچه باعث شده جفره‌ای‌ها خشم دریا را به ساکنان اسطوره‌ای یا افسانه‌ای دریا نسبت دهند، تقدس همیشگی و باستانی طبیعت نزد بشر باشد.

«بوسلمه» این دشمن اسطوره‌ای که هر لحظه ممکن است یکی از اهالی جفره را با خود به عمق آب‌ها ببرد، در فصل‌های بعدی جای خود را به انگلیسی‌ها، حزبی‌ها و مأموران دولت می‌دهد (مرادی و حسینی، ۱۳۹۴) که با تأسیس و استخراج نفت، طبیعت جفره را نابود می‌کنند. با نابودی طبیعت، فقر، قحطی و آشفتگی بر زندگی مردم سایه می‌اندازد؛ مردم ابتدا با عاملین این بدبختی به مبارزه برمی‌خیزند؛ اما کم‌کم متوجه می‌شوند که قدرت مقابله ندارند و به‌ناچار به کوچ اجباری روی می‌آورند و قهرمانانشان نیز که مردانه ایستادگی کرده‌اند، به کام مرگ می‌روند.

در این پژوهش برآنیم که به دو پرسش اصلی نقد بوم‌گرا که عبارت‌اند از: ۱. اثر ادبی چه دیدگاه و رویکردی نسبت به محیط‌زیست دارد؟ و ۲. محیط‌زیست و طبیعت در شکل‌گیری اثر چه نقشی داشته است؟ پاسخ دهیم.

پیشینه پژوهش

آثاری که نوشته‌های منیرو روانی‌پور را بررسی کرده‌اند، به‌غیراز رساله‌های دانشجویان تحصیلات تکمیلی، عبارت‌اند از:

۱. کتاب‌های حوزه ادبیات داستانی: از جمله «پسامدرنیسم در ادبیات داستانی ایران» (۱۳۸۸) از منصوره تدینی که نویسنده، بخش قابل توجهی از کتاب را به بررسی آثار منیرو روانی‌پور اختصاص داده است؛ «صدسال داستان‌نویسی ایران» (۱۳۸۷) از حسن میرعابدینی که در آن، آثار پدیدآمده در هر دوره، در چند جریان اساسی طبقه‌بندی و مورد بررسی تاریخی-انتقادی قرار گرفته است؛ «گزاره‌هایی در ادبیات معاصر ایران» (۱۳۹۳) از علی تسلیمی که نویسنده ضمن تقسیم داستان‌ها بر اساس مضمون، سیر تاریخی را نیز در آن گنجانده است و در خلال آن، آثار نویسندگانی را که در چهارچوب یک موضوع قرار دارند، مورد نقد و بررسی قرار داده است و در همین راستا آثار منیرو روانی‌پور را به‌عنوان داستان‌های رئالیسم جادویی و مدرن، به‌صورت گذرا بررسی کرده است؛ «سیری در تاریخ ادبیات و مکتب‌های ادبی» از منصوره تدینی که نویسنده در آن، داستان «آبی‌ها» را به‌عنوان نمونه رئالیسم جادویی بررسی کرده است؛ «اقلیم داستان‌نویسی» (۱۳۹۷) از رضا صادقی‌شهر که در آن، داستان‌نویسی اقلیمی ایران در محدوده تاریخی انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی در پنج حوزه اقلیمی مورد تحلیل قرار گرفته است که یکی از حوزه‌های اصلی، داستان‌نویسی اقلیمی جنوب است؛ اما در این بخش نیز جز به اشاره، نقدی بر داستان‌های روانی‌پور نوشته نشده است.

۲. مقاله‌هایی که در این زمینه نگاشته شده است، عبارت‌اند از: «بررسی رئالیسم جادویی و تحلیل رمان اهل غرق» (۱۳۸۴) از ناصر نیکوبخت و مریم رامین‌نیا که در آن، رمان با توجه به ویژگی‌ها و مشخصه‌های رئالیسم جادویی بررسی شده است؛ «تحلیل ساختاری رمان اهل غرق» (۱۳۹۳) از تیمور مالمیر و علیرضا نصری‌بافتی که نویسندگان بر اساس نظریه ساختاری تودوروف به بررسی رمان اهل غرق پرداخته‌اند؛ «بیش اساطیری در آثار منیرو روانی‌پور» (۱۳۹۳) از فرزانه مونسان، عباس خائفی، علی تسلیمی و محمدعلی

خزانه دارلو که در آن به کارکرد اسطوره‌ها در آثار روانی‌پور پرداخته شده است؛ «کاوش گفتمان کنشی گرمس در رمان اهل غرق از منیرو روانی‌پور» (۱۳۹۸) از لیلا رحمتیان، خلیل بیگ‌زاده و غلامرضا سالمیان که در آن نویسندگان، بر اساس گفتمان کنشی گرمس، به بررسی نقش عوامل کنشی در آفرینش نظام گفتمانی کنشی - القایی یا مجابی در رمان اهل غرق پرداخته‌اند؛ بنابراین با بررسی پژوهش‌های صورت گرفته، می‌توان به این نتیجه رسید که تاکنون هیچ‌گونه پژوهشی در زمینه نقد بوم‌گرایی (محیط‌زیستی) رمان اهل غرق صورت نگرفته است.

اصطلاح نقد بوم‌گرا در سال ۱۹۷۸ م توسط ویلیام روکرت ابداع شد. طی این سال‌ها ده‌ها کتاب در سراسر جهان در این زمینه نگاشته شده است که سرآمد آن‌ها دو اثر پایه‌ای بود که برای اولین بار در اواسط دهه نهم چاپ شد: «گلچین نقدبوم ادبی» ویراسته چریل گلو تفلتی و هرولد فروم و «پندار زیست‌محیطی» اثر لارنس بوئل؛ اما در ایران این نقد، نوپا و کمتر شناخته شده است؛ اصلی‌ترین منابع فارسی نقد بوم‌گرا، سه کتاب و چندین مقاله ارزنده از زهرا پارساپور است؛ کتاب‌ها شامل: «نقد بوم‌گرا (ادبیات و محیط‌زیست)» (۱۳۹۲) که در آن به معرفی نقد بوم‌گرا و بیان ضرورت، اهداف و موضوعات آن پرداخته شده است. «درباره نقد بوم‌گرا» (۱۳۹۲) که در آن، شش مقاله معتبر جهانی در زمینه نقد بوم‌گرا گردآوری شده است و در فصل آخر کتاب، فرهنگ توصیفی پاره‌ای از اصطلاحات نقد بوم‌گرا آورده شده است و «ادبیات سبز» (۱۳۹۶) که در آن، مقالات نقد بوم‌گرایانه در ادبیات فارسی جمع‌آوری شده است؛ البته پیش از آن، مقالاتی در مورد مبانی این نوع نقد از داوود عمارتی‌مقدم (۱۳۸۷)، ناصر مودودی (۱۳۹۰) و مسیح ذکاوت (۱۳۹۰) نگاشته شده بود. علاوه بر این، پژوهش‌های کاربردی مفیدی نیز حول متون ادبی در این زمینه انجام شده است؛ از جمله: مقاله «بررسی شعر نیما بر مبنای نقد بوم‌گرا» (۱۳۹۵) نوشته غلامرضا سالمیان، تورج زینی‌وند و رضوان محمدی؛ «شعر سهراب سپهری در پرتو نقد بوم‌گرا» (۱۳۹۶) نوشته غلامرضا سالمیان، تورج زینی‌وند و رضوان محمدی؛ «نقد بوم‌گرایانه دفتر شعر «از زبان برگ» سروده محمدرضا شفیعی کدکنی» (۱۳۹۶) از

فرهاد بشیریان و اکبر شایان سرشت و «بررسی بوم‌گرایانه با شیرو، اثر محمود دولت‌آبادی» (۱۳۹۳) از مرتضی حبیبی نسامی.

روش پژوهش

در این پژوهش که از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شده است، در ابتدا منابع نقد بوم‌گرایی به دقت مورد مطالعه قرار گرفته است؛ سپس رمان اهل غرق، مطالعه و شواهد بر اساس نقد محیطی‌زیستی (نقد بوم‌گرا) جمع‌آوری شده‌اند و در نهایت، یافته‌ها بر پایه نقد بوم‌گرا مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته‌اند.

۱. نقد بوم‌گرا

با آغاز پیشرفت‌های روزافزون انسان در زمینه‌های علمی و تکنولوژی، اثرات مخرب دخالت‌های ناروای بشر در طبیعت پیرامونش، بیش‌ازپیش نمایان شد؛ طوری که در یکی دو قرن اخیر، آثار دهشتناک تخریب محیط‌زیست و انواع آلودگی‌های زیست‌محیطی و انقراض هزاران گونه گیاه و جانور، جهان را در لبه پرتگاه زیست‌محیطی قرار داد؛ انسان نوگرا با اندیشه «انسان‌محورانه»، خود را مرکز و فرمانروای عالم دانست و تنها به رفاه خود و بهره‌وری از منابع طبیعی اندیشید و این نگاه سودجویانه به طبیعت، مقدمات بحران‌های کنونی را فراهم آورد.

از میانه قرن بیستم، دانشمندان علوم مختلف به فکر یافتن راه‌های برون‌رفت از بحران‌های محیط‌زیستی برآمدند؛ انواع جنبش‌ها و سازمان‌ها به منظور حفظ محیط‌زیست به وجود آمد. این جنبش را در فضای ادبیات در سال ۱۹۷۸ ویلیام روکرت در قالب رویکردی تازه به نقد ادبی، به نام «نقد بوم‌گرا» به وجود آورد؛ رویکردی که با دیدگاهی زیست‌محیطی به نظاره و نقد متن می‌نشیند؛ در این راستا مطالعات بین‌رشته‌ای جدیدی در حوزه ادبیات و محیط‌زیست آغاز گردید تا نقش پررنگ طبیعت را در زندگی انسان‌های متمدن یادآور شود. از نظر لغوی اصطلاح نقد بوم‌گرا "Ecocriticism" از دو بخش "Eco" و "Criticism" تشکیل شده است. (پارساپور، ۱۳۹۲) این شیوه مطالعاتی نو می‌کوشد تا بر

هم‌کنش‌های انسان و محیط پیرامونش را به نقد بکشد؛ منتقدان این عرصه از علم، ادراک آدمی از حیات بکر را مطالعه می‌کنند و خواهان فهم این نکته‌اند که آیا مسائل نوین زیست‌محیطی بازتابی دقیق یا حتی عاطفی در فرهنگ عامه مردم یا در ادبیات مدرن از خود به‌جای گذاشته است یا خیر. (مودودی، ۱۳۹۰) در این نقد «ضمن بررسی رابطه انسان با طبیعت در ادبیات، به چگونگی بازتاب مسائل زیست‌محیطی و پدیده‌های طبیعت در آثار ادبی، در دوره‌های تاریخی و مناطق مختلف جغرافیایی پرداخته می‌شود و نیز تلاش می‌شود با این مطالعات، رویکردهای نادرست فرهنگی به محیط‌زیست، اصلاح و رویکردهای تازه که لازمه ادامه بقای زمین است، در آثار ادبی جدید تقویت شود.» (پارساپور، ۱۳۹۱) منتقدان زیست‌محیطی، هدف عمده خود را از میان بردن تقابل انسان/طبیعت یا فرهنگ/طبیعت می‌دانند و بر آن‌اند که نگاه انسان‌مدارانه به جهان، مهم‌ترین دلیل ایجاد بحران‌های زیست‌محیطی است. (عمارتی‌مقدم، ۱۳۸۷)

هرچند همه انواع ادبی در نقد بوم‌گرا، مورد توجه قرار می‌گیرند، بررسی برخی ژانرها، نظیر فاجعه‌نوشت‌ها "The Writing of the Disaster" و طبیعت‌نگاری اهمیت بیشتری دارند؛ همچنین در حوزه داستان، رمان‌های اقلیمی که محیط‌زیست در آن‌ها برجستگی دارد، از اهمیت بالایی برخوردارند؛ (پارساپور، ۱۳۹۲) از این رو پیوند عمیق نویسنده معاصر جنوب ایران، منیر و روانی‌پور با طبیعت و پررنگ بودن اقلیم و زادبوم در «اهل غرق»، زمینه را برای بررسی این اثر از دیدگاه نقد بوم‌گرا فراهم نمود. قبل از بررسی بوم‌گرایانه اثر، به ابهامی که در زمینه باورهای رایج مردم روستای جفره در داستان وجود دارد، می‌پردازیم تا افسانه یا اسطوره بودن این باورها - که شالوده رمان نیز هست - برآیمان آشکار شود.

۲. افسانه و اسطوره

افسانه و اسطوره را ضمن داشتن اشتراکاتی، باید از هم متمایز کرد؛ افسانه، فسانه یا اوسانه، قصه غیرواقعی یا داستانی است که در آن، انسان‌ها، جانوران، اشیاء یا موجودات تخیلی، ماجراهای گوناگون باور نکردنی به وجود می‌آورند و این تعریف را بیشتر در ادب فارسی

به‌ویژه قصه‌های عامیانه می‌توان افسانه‌های عامه نامید. (خانی و کویچی، ۱۳۹۳) افسانه برخلاف اسطوره، مقدس و راست نیست؛ هم کسانی که آن را روایت می‌کنند و هم مخاطبین، می‌دانند که دروغ و ساختگی است؛ حوادث افسانه‌ها در زمان نامعینی از گذشته رخ می‌دهند؛ اما در اسطوره، زمان تاریخی وجود ندارد؛ بلکه زمان ازلی و ابدی در جریان است. (جعفری قنواتی، ۱۳۹۷) اسطوره با جامعه و طبیعت ارتباط مستقیم دارد؛ «نحوه مرتبط شدن با جامعه و نحوه ارتباط دادن این جامعه با جهان طبیعت و کیهان؛ این چیزی است که اسطوره‌ها همه درباره‌اش صحبت کرده‌اند.» (کمبل، ۱۳۹۸) از سوی دیگر مبارزه قهرمان اسطوره، در راه تعالی جامعه است نه در راه اهداف فردی. بازتاب بسیاری از روایت‌های اسطوره‌ای به شکل تحریف‌شده‌ای تاکنون در فرهنگ مردم ما جریان دارد (جعفری قنواتی، ۱۳۹۷) و در جوامعی که اسطوره هنوز زنده و جاری است، بومیان به دقت میان اسطوره‌ها - داستان‌های واقعی - با قصه‌ها یا داستان‌های خیالی که خودشان آن‌ها را «داستان‌های دروغین» می‌خوانند، فرق می‌گذارند؛ در داستان‌های واقعی بازیگران اصلی عبارت‌اند از: موجودات الوهی، فوق طبیعی، آسمانی یا اختری. (الیاده، ۱۳۹۳)

با توجه به تعریف افسانه و اسطوره، به نظر می‌رسد باورهای عمیقی که در رمان اهل غرق، پایه داستان قرار می‌گیرند، باورهای اسطوره‌ای‌اند، نه افسانه‌ای. اسطوره‌سازی در آثار روانی‌پور تحت تأثیر اوضاع اقلیمی و بومی است و عناصر طبیعت در دایره ذهن او، عامل آگاه همه حوادث و پدیده‌هایی بودند که زندگی و مرگ انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهند. (مونسان و دیگران، ۱۳۹۳) ماجرای بوسلمه و قربانی کردن مه‌جمال برای آرام کردن او، ریشه در اسطوره‌های ایران باستان دارد؛ نیروی خیر در این میان می‌تواند دریا و آب باشد که مه‌جمال برایش قربانی می‌شود؛ خون مه‌جمال باید پاسبان آب دریا و نیروهای خیر شود تا جلوی خشم و کینه بوسلمه را بگیرد؛ «بن‌مایه اسطوره‌ای دیگر رمان، جدال میان آب و خشک‌سالی است؛ در اساطیر ایرانی، اهریمن، دیوان، جادوگران و پریان، با درندگان، مارها، اژدها و حشرات در ارتباط هستند و چهارپایان و گیاهان که مقدس هستند، با اسپندارمذ، الهه زمین و رودها و دریاها که مقدس و دارای مینو هستند، در ارتباط‌اند.» (مرادی و حسینی، ۱۳۹۴، به نقل از بهار)

با نگرشی کلی به اساطیر جهان و ایران، می‌توان فهمید که طبیعت و عناصر آن، جزو جدایی‌ناپذیر داستان‌های اسطوره‌ای‌اند؛ آب، باران، خشکی، گیاهان، چهارپایان، زمین، دریا و ... بی‌شک مردم هر سرزمینی بسته به طبیعت و محیط‌زیستشان، اسطوره‌هایشان را می‌سازند؛ از این‌روست که مردم نواحی سواحل دریا که ناخودآگاه زندگی‌شان با دریا به‌عنوان بخشی از محیط‌زیست گره خورده است، تخیل، اندیشه و حتی اسطوره‌هایشان متأثر از دریاست؛ در این راستا شناختن طبیعت و ابعاد آن در این داستان ضروری به نظر می‌رسد؛ دریا در اهل غرق دو چهره کلی دارد:

الف. چهره خشمگین و تاریک

ب. چهره مهربان و بخشنده

در ادامه به هر کدام از این ابعاد و اثراتش بر حوادث داستان و شخصیت‌ها خواهیم پرداخت:

۳. بعد تاریک طبیعت

زمینه اصلی حوادث رمان اهل غرق بر دریا استوار است؛ رابطه انسان با دریا که بزرگ‌ترین بخش از طبیعت وحش است، به زمان خلقت انسان برمی‌گردد و از آنجا که دریا هیچ‌گاه برای انسان قابل کنترل نبوده، همواره منشأ ترس و وحشت انسان‌ها به‌ویژه ساکنان مجاور آن بوده است.

طبیعت علاوه بر مزایای بی‌شمار و بخشنده‌گی فراوان برای بشر، جنبه‌های پیش‌بینی‌ناپذیر پرخطری نیز به همراه دارد؛ جنبه‌هایی که اغلب، نمودش را در حیات وحش شامل جنگل، بیابان و دریا می‌توان مشاهده کرد؛ در طبیعت وحش، انسان هیچ‌گونه کنترل و احاطه‌ای ندارد؛ بنابراین برایش هراس و وحشت به همراه دارد و به‌ناچار، باید راه مسالمت را در پیش بگیرد.

ادموند برک (۱۷۵۷) *بعد تاریک طبیعت را «سابلایم» و درد و رنج و وحشت ناشی از آن را از اصول مسلم سابلایم "Sublime" معرفی می‌کند؛ اما سابلایم علاوه بر بیان مفهوم تاریکی و سیاهی، مفهوم شرارت و بی‌تفاوتی طبیعت را نیز به همراه دارد. (حیبی*

نسامی، ۱۳۹۳) این بُعد تاریک از آنجا که تأثیرات طبیعت بر انسان را نشان می‌دهد، در نقد بوم‌گرا قابل بررسی است.

هرچند طبیعت وحش به محیط فیزیکی اشاره دارد، آب و هوای (گرما، سرما، طوفان، باران و خشکی) ناشی از آن محیط فیزیکی را نیز که بر کنش و منش انسان‌ها تأثیر می‌گذارد، باید جزوی از طبیعت وحش در نظر گرفت؛ (حبیبی نسامی، ۱۳۹۳) در داستان، بارها به طوفان در دریا اشاره شده است؛ طوفانی که همه چیز را با خود می‌برد و همه زمینیان و دریایی‌ها را وحشت زده می‌کند؛ دریا هنگام طوفان در این داستان، اغلب سیاه است و کف آلود و موجب ویرانی خانه‌ها، وحشت، اضطراب، خستگی، گرسنگی و مرگ انسان-هاست. به اثرات این بعد از طبیعت بر حوادث، رفتار و منش شخصیت‌های رمان اهل غرق در ذیل اشاره شده است:

۱-۳. ویرانی خانه‌ها

هنگامی که دریا خشمگین می‌شود و از کنترل انسان خارج می‌گردد، یکی از اثراتش ویرانی خانه‌ها و زندگی فیزیکی مردم حاشیه آن است. در اهل غرق نیز می‌توان این اثر ویرانگر را مشاهده کرد:

«آبادی به عزا نشسته بود. یک هفته بود که دریا می‌غرید. باد بوره می‌کشید، موج‌های بلند روی آبادی خراب می‌شد، دیوارها می‌رمبید. کپر‌ها را آب می‌گرفت و مردم بالای پشت‌بام خانه‌های گچی مانده بودند...» (روانی پور، ۱۳۸۴)

۲-۳. ترس و وحشت

مردم جفره ترس و وحشت خود را از دریا در قالب تصور کردن موجودات خشمگین دریا نشان داده‌اند؛ برای مثال، بوسلمه که گویا نماد بعد تاریک طبیعت است، گاهی برای بردن یا کشتن کسی می‌آید و تا خونش را نریزد، آرام نمی‌گیرد؛ گویی بشر ترس و وحشت و عجز خود را در مقابل خشم طبیعت، به باورها و اسطوره‌هایش می‌دهد. اوج وحشت مردم از دریا زمانی است که بوسلمه خشم می‌گیرد و زمین جفره به لرزه می‌افتد. توصیف

نویسنده از خشم دریا و بوسلمه به اندیشه‌های آخرالزمانی نزدیک است: مردگان زنده می‌شوند، زمین می‌لرزد و ...:

«زمین می‌لرزید، نخل‌ها می‌لرزیدند و درخت گل‌ابریشم انگار سرگیجه گرفته باشد، شاخ و برگش تکان می‌خورد... و حالا بار دیگر بوسلمه با ترفندی کاری، آبادی را نشانه کرده بود. همه چیز درهم و پریشان بود. آب‌انبار ترک‌خورده بود. جان‌های آب خالی می‌شد. گنج‌خانه‌ها می‌ریخت. دیوارها ترک برمی‌داشت و سرگیجه چنان امان مردم را بریده بود که حتی وقتی چشمانشان را می‌بستند، جهان دور سرشان می‌چرخید... بوسلمه این بار مردگان زمین را رو در روی آبادی قرار داده بود.» (روانی‌پور، ۱۳۸۴)

۳-۳. مرگ انسان‌ها

دریا به‌عنوان نمودی از حیات وحش، نسبت به انسان‌ها، شرور و بی‌تفاوت است و یکی از اثرات شرارتش، گرفتن جان انسان‌هاست؛ در اهل غرق، دریا شش تا از پسران «دی منصور» را در کام خود فرو برده است و هر آن، اگر خشم بگیرد، می‌تواند آبادی را نابود کند:

«چه دل‌نابکاری دارد بوسلمه که راه بر ماهیگیران جوان و رعنایی چون مه‌جمال می‌بندد و آن‌ها را به قعر آب‌های خاکستری می‌برد. چطور نفرین مادران عزادار کاری نمی‌کند؟» (روانی‌پور، ۱۳۸۴)

«آنجا، ته دریا، چیزی از عاطفه زمینی ندیده بود. یاد آن مردان غرق‌شده، یاد پسران شش‌گانه دی منصور و آن مرد که می‌خواست فایزی بشنود و گریه کند، او را به زمین، به آبادی زنجیر می‌کرد.» (روانی‌پور، ۱۳۸۴)

۳-۴. خستگی، تشنگی و گرسنگی

یکی دیگر از اثرات خشم دریا برای انسان‌هایی که ناچار به ارتباط با آن هستند، خستگی، گرسنگی و تشنگی است:

«نه روز بود که دریا روی کشتی‌ها می‌رمید... فرصت آتش نبود و مردان خسته ماهیگیر، تمام باروبنه خود را به دریا انداخته بودند. لب‌ها خشک و تاول بسته بود. زایراحمد کلافه بود و دیگر نمی‌دانست جهان بی‌هایوی دریا، چه رنگ و بویی دارد. تشنگی و گرسنگی هیچ‌کدام نمی‌توانست زائر را به زانو در بیاورد. پرتاقت بود و آنچه اکنون توانش را تمام می‌کرد، هایهوی موج‌ها و غناشت دریا بود.» (روانی‌پور، ۱۳۸۴)

۳-۵. زوال عقل انسان‌ها

بعد پیچیده و رازآلود دریا گاهی حتی عقل «به دریا زدگان» را می‌گیرد؛ روزی که مه‌جمال برای آرام کردن دریا و برگرداندن اهل غرق‌ته دریا، به آب زده بود، گویا در دریا عقل خود را از دست می‌دهد:

«مردان و زنان آبادی، به قصه غریب مه‌جمال گوش دادند و یقین کردند که او این بار عقل خود را در دریا از دست داده است...» (روانی‌پور، ۱۳۸۴)

۴. یگانگی انسان و طبیعت (چهره‌مهربان و بخشنده)

باوجود وحشت همیشگی مردم جفره از خشم دریا و طبیعت پیرامونشان، شخصیت‌ها همواره به چهره‌مهربان و بخشنده طبیعت عشق می‌ورزند و برای یافتن آرامش و آسایششان به آن نیازمندند؛ شخصیت مه‌جمال، مدینه، بهادر، شمایل و ستاره در این زمینه، برجستگی خاصی دارند؛ گویی آن‌ها الفتی عمیق با دریا و طبیعت دارند؛ الفتی که از عشق آن‌ها به دریا و طبیعت حکایت دارد؛ آن‌ها چنان دلبسته طبیعت‌اند که گویی، گاهی با طبیعت یکی می‌شوند و تحولاتی که بعدها در داستان باعث تغییر چهره طبیعت جفره می‌شود، این شخصیت‌ها را سرگردان و آشفته می‌کند و گاهی حتی به شورش و می‌دارد:

«مدینه یک بار خودش را به آب‌ها می‌سپارد و نیمه بدنش تبدیل به ماهی می‌شود و وصیت می‌کند که او را در آب‌های سبز رها کنند؛ مدینه از بوق کشتی‌های نفتی که مانع شنیدن صدای آبی‌ها شده بود، بیزار است.» (روانی‌پور، ۱۳۸۴)

«شش ماه بعد، سد ساخته شد؛ سدّی که در تمام مدت، مدینه و بهادر نگران بالا آمدن آن بودند و می‌ترسیدند که ناگهان آن‌قدر بالا بیاید که دریا تا آن‌سوی جهان گم شود.» (روانی‌پور، ۱۳۸۴)

یا ستاره که در انتها به مرغ دریایی بدل می‌شود:

«هیچ‌کس نمی‌توانست زنی که دستانش را مثل بال مرغ دریایی باز کرده بود و می‌دوید از رفتن باز دارد. ستاره که لب‌هایش را از درد به هم می‌فشرد، آن‌قدر دوید و جرقه‌های آتش را از تنش ریخت که سرانجام در هیئت مرغ دریایی که آتش گرفته بود، رو به غبه پرواز کرد.» (روانی‌پور، ۱۳۸۴)

و یا شمایل:

«هیچ‌کس فریادهای شمایل را نشنید که با دستان کوچکش دامن این و آن را می‌گرفت تا برای تارا، آهوپی که چشمانش بوی مرگ می‌داد، چاره‌ای بیندیشد.» (روانی‌پور، ۱۳۸۴)

«شمایل که در جست‌وجوی چشمان غرق شده تارا تمام زندگی‌اش را سرگردان مانده بود، سرانجام نامه‌ای به مریم نوشت که چندخطی بیشتر نبود: «اینجا پایان سرگردانی است... چشمان تارا در آینه‌های روبه‌رو مکرر می‌شود. مریم تو نمی‌دانی در دلم چه غوغایی است.»» (روانی‌پور، ۱۳۸۴)

اما اوج یگانگی انسان و طبیعت، در شخصیت «مه‌جمال دریایی» متبلور می‌شود؛ در اهل غرق مه‌جمال، گویی نماد دریا و حیات است که به شخصیت‌ها آرامش و به طبیعت جان می‌دهد:

«نخلی که سال‌ها خشکیده بود، با حضور مه‌جمال سبز شده است و جویبار کوچک از دل کوه راهش را گرفته است به‌جانب خانه او می‌آید... اگر خوشه‌های گندم قد می‌کشید، اگر نخل‌ها از بار رطب خم می‌شد، اگر چشمه‌ها از آب می‌جوشید، برای همه روشن بود که مه‌جمال از آن نواحی گذشته است.» (روانی‌پور، ۱۳۸۴)

«مه‌جمال برای آب‌هایی که روزگاری زلال بودند، بغض می‌کرد.» (روانی‌پور،

۱۳۸۴)

«دل مه جمال با هر شکافی که زمین برمی داشت، قاچ قاچ می شد. مه جمال دریایی آن قدر در غم زن و فرزندان خود نبود که در اندیشه زمین.» (روانی پور، ۱۳۸۴)

۵. اخلاق زیست محیطی مهاجمان

اخلاق زیست محیطی، ایجاد اصولی است که بر روابط انسان با طبیعت حاکم باشد؛ یعنی مسئولیت‌های انسان برای ممانعت از آسیب، حفاظت در مقابل آسیب و یا پیشبرد فعالانه خیر و مصلحت. برخی اقداماتی که انسان‌ها در برابر طبیعت انجام می‌دهند و باعث تغییر چهره طبیعت می‌شود، زیر مجموعه اخلاق زیست محیطی قرار می‌گیرد؛ اقداماتی از قبیل سدسازی یا تغییر مسیر رودخانه‌ها، زهکشی تالاب‌ها یا حذف جنگل‌ها برای مقاصد کشاورزی، اقدامات عمدی بشر برای تغییر محیط زیست محسوب می‌شود. تغییرات غیرعمدی را شامل آلودگی هوا، خاک و آب از طریق انتشار صنعتی می‌دانند که غیر مستقیم باعث انهدام جمعیت گیاهان و جانوران می‌شود. (بنسون، ۱۳۹۳) هرچند به گمانم با توجه به افزایش روزافزون آگاهی بشر نسبت به برخی اثرات مخرب فعالیت‌ها و اقدامات صنعتی بر طبیعت، نمی‌توان این اقدامات اولیه را که منجر به تغییرات ثانویه می‌شوند، غیرعمد دانست. در همه فعالیت‌های بشر که در نهایت منجر به تغییر محیط زیست می‌شود، تنها سود و منفعت انسان‌ها و قدرت‌ها در نظر گرفته شده است و خرابی‌های ناشی از آن کاملاً بی‌اهمیت جلوه می‌کند.

از ابتدا تا انتهای داستان اهل غرق، مردم روستای جفره با طبیعت ارتباط تنگاتنگی دارند؛ حال ممکن است این رابطه، ناشی از ترس و وحشت باشد یا دلبستگی عمیق به دریا و زمین و گیاه و پرنده. در فصل‌های میانی داستان، مردم جفره علاوه بر دست‌وپنجه نرم کردن با دریا و ساکنانش، درگیر چالش تازه‌ای می‌شوند: بطری‌هایی که از دریا چیزهای تازه‌ای می‌آورد و آدم‌های ناشناس با لهجه‌های غریب که کم‌کم به استقرار نیروهای دولتی در جفره می‌انجامد و ساکنان روستایی که تا آن زمان راه‌های ارتباطی بسیار کمی با شهرها و ده‌های دیگر داشتند و روستا را چون قلمرویی از آن خود می‌دانستند، اکنون مضطرب

حضور مهاجمانی است که بدون توجه به اخلاق زیست‌محیطی، آگاهانه و بی‌پروا یا ناآگاه، دست به تغییر و حتی تخریب طبیعت و محیط‌زیست می‌زنند.

با اکتشاف و استخراج نفت در جفره، تأسیس پاسگاه ضرورت می‌یابد؛ اما مردم روستا این کار را تجاوز به قلمروشان محسوب می‌کنند؛ واژه «قلمرو» به معنای محیطی بسته است که موجودات زنده‌ای از آن دفاع می‌کنند. (آلمن، ۱۳۹۵) طبق رفتار قلمرویی، وقتی کسی پا به درون مرز قلمرو می‌گذارد، صاحبان آن قلمرو به آن‌ها اخطار می‌دهند یا حمله می‌کنند؛ گرچه دفاع پرخاشگرانه در زندگی انسان زیاد اتفاق نمی‌افتد، واکنش‌هایی مثل ناراحتی، عصبانیت و نگرانی به تجاوز نشان داده می‌شود. (آلمن، ۱۳۹۵) ساکنان روستای جفره نیز که همواره خود را حامی و یار دریا و زمین می‌دانند، در مقابل نیروهای مهاجم، به‌گونه‌ای دست به طغیان می‌زنند تا از آن دفاع کنند؛ خشم اصلی جفره‌ای‌ها به خاطر تغییرات محیط پیرامونشان است که به‌عمد یا غیرعمد در قلمروشان ایجاد شده است؛ آنچه طبیعت را برای مردم جفره مقدّس می‌کند، چیزی فراتر از نان است؛ آن‌ها وقتی احساس می‌کنند به قلمروشان تجاوز شده و آدم‌های بیگانه‌ای قصد دارند در محیط پیرامونشان تحولاتی ایجاد کنند که ممکن است منجر به نابودی زیبایی، آرامش و سلامت محیطشان شود، خشمگین می‌شوند و گاهی دست به عصیان می‌زنند و از آنجا که شکل دیگر تجاوز به قلمرو از نظر «لایمن و اسکات» (۱۹۶۷) و «گافمن» (۱۹۷۱)، «آلودگی» نامیده می‌شود (آلمن، ۱۳۹۵)، مه‌جمال با استخراج نفت که منجر به آلودگی‌های فراوان زیست‌محیطی در آبادی می‌شود، به شدت مقابله می‌کند و درنهایت، جانس را بر سر همین مسئله از دست می‌دهد:

«انگار که این تقدیر آدمی است که برای حراست از آنچه دارد، دست به عصیان و شورش بزند؛ امروز دریا را از تو می‌گیرند و فردا مشکل بتوانی بی‌اجازه پاسگاه روی زمین قدم برداری... برای حراست از عشق، هرچه که می‌خواهد باشد، دریا و مرد غریبه، گوشه‌ای از دلت باید طغیان کند.» (روانی‌پور، ۱۳۸۴)

«مه‌جمال در لوله‌هایی که قرار بود گاز از کنگان به کشورهای خارجه ببرد، ایجاد

حریق کرده بود...» (روانی‌پور، ۱۳۸۴)

«مه‌جمال زیر بار این کاغذبازی نرفت. کسی که بتواند با نامه‌ای آب را از آسمان سرازیر کند و آبادی را از گرسنگی نجات دهد، باید پیش از همه بگوید تا به حال این قدرت را کجا پنهان کرده بود و این‌یک سال تشنگی را کجا بوده است.» (روانی‌پور، ۱۳۸۴)

در ادامه، برخی از تأثیرات انسان بر طبیعت در رمان اهل غرق و در پی آن، تأثیرات این تحولات را بر شخصیت‌ها بررسی خواهیم کرد:

۵-۱. آلودگی صوتی

در اهل غرق، ابتدا صدای رادیو و پس از آن صدای دستگاه‌هایی که زمین را برای اکتشاف نفت خراش می‌داد و سپس صداهای ناشی از ساختن سدهای بتنی، باعث برهم خوردن آرامش روستای جفره و موجودات زنده آن منطقه شد. تأثیر آلودگی صوتی، علاوه بر زندگی انسان، بر رشد گیاهان و کوچ پرندگان و حیوانات، ملموس است؛ با ایجاد این صداهای گوشخراش، صداهای طبیعی کمتر شد، ساکنان دریا غیبتان زد و صدای بال مرغان دریایی به گوش نمی‌رسید و در نتیجه، اضطراب و غصه مونس انسان شد:

«جعبه می‌خواند... دیگر صدای بال مرغان دریایی به گوش نمی‌رسید، جهان پر از صدا می‌شد... مه‌جمال می‌دید که زنان آبادی دیگر نمی‌خوانند؛ حتی صدای خلخال پاشان شنیده نمی‌شد و حسرتی غریب در دل مه‌جمال قد می‌کشید. چیزی از دست می‌رفت.» (روانی‌پور، ۱۳۸۴)

«هجوم حرکت و صدا به آبادی، آرامش جهان را بر هم می‌زد. صداهای عجیب و غریب که مدینه را وامی‌داشت تا گوش‌هایش را همیشه بگیرد و صورتش را از سرسام حرکت مچاله کند.» (روانی‌پور، ۱۳۸۴)

«مه‌جمال با هر صدای دوردستی که می‌شنید گوش‌هایش را می‌گرفت و در خود می‌پیچید، انگار گوشت تنش را به تاراج می‌بردند.» (روانی‌پور، ۱۳۸۴)

۵-۲. استخراج نفت

اگرچه اکتشاف نفت از نظر اقتصادی باعث رشد کشورهای ذی‌نفع می‌شود، مشکلات محیط‌زیستی ناشی از آن گاهی چنان غیرقابل کنترل است که حتی باعث تخلیه کامل سکنه بومی منطقه می‌گردد. برخی اثرات محیط‌زیستی فعالیت‌های نفتی در خشکی و دریا عبارت‌اند از: آلودگی صوتی ناشی از پرواز هلیکوپتر و هواپیما و سر و صدای کارخانه و واحدهای جنبی؛ آلودگی‌های هوا در اثر سوزاندن گازهای تفکیکی در مشعل، انتشار گاز سولفید هیدروژن و رها شدن ترکیبات هیدروکربنی سبک از مخازن ذخیره، آلودگی خاک منطقه در اثر ریخت و پاش مواد نفتی و رهاسازی پساب نفتی که باعث تهدید حیات انسان‌ها، پرندگان و گیاهان می‌شود؛ آلودگی آب دریا ناشی از افزایش روغن و پساب‌های صنعتی که باعث تهدید جانوران و گیاهان آبی و کاهش تنوع زیستی جانوران می‌شود. (جعفری و لطفی جلال‌آبادی، ۱۳۸۳)

در روستای جفره نیز وقتی دولت تصمیم می‌گیرد دست به اکتشاف و استخراج نفت بزند، ابتدا پاسگاه را تأسیس می‌کند؛ با ورود پاسگاه و اقدامات مربوط به استخراج نفت، آرامش از زندگی مردم رخت برمی‌بندد و طبیعت جلوه‌هایش را یکی‌یکی از دست می‌دهد؛ نفت و تکنولوژی که فقط زیانش به مردم منطقه می‌رسد، آوارگی و مهاجرت، آشفته‌گی و تشویش ذهن، اختلال در حافظه و تخیل، انزوا و مرگ‌ومیر انسان‌ها را در پی دارد:

«مه‌جمال همه‌چیز را دور می‌دید، دور از پریان دریایی و دور از آبی دریا؛ هجوم حرکت و صدا به ذهن مه‌جمال!... آه چه چیزهای سختی در روی زمین وجود دارد. زمین زخمی بود؛ زخمی و آشفته، انگار کسی یقه او را گرفته باشد و او را تا نهایت مرگ زده باشد.» (روانی‌پور، ۱۳۸۴)

آفت نفت، به خاطر آلوده کردن آب و زمین و ایجاد ناامنی، کم‌کم مردم آبادی را به مهاجرت وامی‌دارد؛ اثر نفت در دریا نیز باعث مهاجرت برخی موجودات زنده و یا مرگ آنها می‌شود؛ گویی دریا تسلیم انسان و تکنولوژی شده است:

«جهان سر آرامش نداشت. آفت نفت که مردم را از آبادی‌های بالا فراری داده بود، مردمی که باروبنه خود را برداشته بودند و اطراف جفره در کپره‌های خود به انتظار تمام شدن نفت چاه‌ها، روز را شب می‌کردند، به جفره هم رسید.» (روانی‌پور، ۱۳۸۴)

«... یک آبادی را نفت بلعیده بود. دولت، مردم را مجبور کرده بود که خانه‌های خود را رها کنند و آواره شوند... به خاطر چاه نفت که می‌گفتند مملکت را ثروتمند می‌کند، تردها کنترل می‌شد.» (روانی‌پور، ۱۳۸۴)

«بوی نفت هوای جفره را سنگین کرده بود. زائر فکر کرد که جفره زیر این هوای سنگین خواهد رمیید، حتی مرغان دریایی به کندی در هوا بال می‌زدند؛ انگار نفسشان گرفته بود... حتی دریا هم بوی قیر گرفته بود.» (روانی‌پور، ۱۳۸۴)

«... ماهی‌های مرده ریز و درشتی که از دریا بر می‌آمد، شلیوهای به قیر آغشته که ماسه‌ها را سیاه کرده بود، همه نشان از تسلیم دریایی بود که روزگاری موج‌هایش تا ستاره‌ها می‌رسید. دریا انگار یاغی پیری که برنویش را زمین بگذارد و کند و آهسته از دامنه کوه پایین بیاید، می‌نالید و مه خاکستری رنگی که روی دریا ایستاده بود و معلوم نبود از دود قلیان‌های همیشه روشن آبادی است یا از دود کشتی‌های نفتی که در دوردست، شب و روز می‌نالیدند، دل مردم را به غصه می‌نشانند.» (روانی‌پور، ۱۳۸۴)

آلودگی دریا به ساحل نیز کشیده شده بود:

«بچه‌ها دیگر کنار ساحل بازی نمی‌کردند. (انزوا) گاهی اگر از سر بی‌احتیاطی بچه‌ای هوس دریا می‌کرد، با پاهای قیری و شکاف خورده از شیشه‌خرده‌ها، گریان به خانه وا می‌گشت.» (روانی‌پور، ۱۳۸۴)

علاوه بر عصیان و بی‌قراری اهل آبادی و درنهایت تسلیم شدنشان در برابر قانون دولتی، طبیعت نیز همچون انسانی شورشگر، توانایی پذیرش قانون دولتی (انسانی) را ندارد و دست به شورش می‌زند تا شاید حریم خود را خشمگینانه به انسان‌ها گوشزد کند:

«و بدین طریق بود که آبادی به اولین قانون دولتی گردن نهاد؛ اما دریا خیال اطاعت نداشت؛ ناگهان سیاه شد و مانند زنی شوی مرده و هیچیره کشید؛ موج‌هایش به هوا رفت و یک شب روی پاسگاه و آبادی رمیید.» (روانی‌پور، ۱۳۸۴)

تأثیر دیگر اکتشاف نفت، مرگ و میر و مهاجرت انسان‌ها، حیوانات و پرندگان بود:

«سرانجام تارا، آهوایی که از بوی نفت گیج شده بود و از درد، دنده‌هایش درآمده بود و پاهایش آن قدر لاغر شده بود که نمی‌توانست جثه‌اش را نگه دارد، در غروب یکی از روزهای پاییزی مرد.» (روانی‌پور، ۱۳۸۴)

«بوی نفت و قیر داغ، همه‌جا پیچیده بود و زائر خیال کرد که اسب هم مثل تمام حیواناتی که از بوی نفت، سر به بیابان می‌گذاشتند، در رفته است.» (روانی‌پور، ۱۳۸۴)

«پریان دریایی پیدایشان نبود. مرغان دریایی با احتیاطی بیشتر و در ارتفاعی بالاتر روی آسمان جفزه پرواز می‌کردند...» (روانی‌پور، ۱۳۸۴)

«زائر غلام یک روز، وقتی هوا از بوی قیر و نفت چنان سنگین شد که مرغان دریایی از آسمان می‌افتادند و روی زمین پرپر می‌زدند و می‌مردند، جان داد... در گیرودار مرگ مرغان دریایی، زائر غلام و گوسفندانی که شکمشان باد می‌کرد و می‌ترکید، هیچ‌کس فریادهای شمایل را نشنید...» (روانی‌پور، ۱۳۸۴)

علاوه بر تأثیر نفت بر گیاهان، پرندگان، حیوانات و طبیعت بی‌جان (دریا و زمین)، روح و روان، حافظه و تحیل انسان نیز از این پدیده در امان نماند؛ از آن هنگام به بعد، زنان ترانه‌هایشان را که پیش‌ازین با الهام از دریا و طبیعت آبادی سروده بودند، فراموش کردند: «مدینه که پایه‌پای نوه دریایی‌اش، دلتنگ پریان دریایی بود، به دکتر عادل‌ی گفته بود که از زمان غیبت آبی‌ها، نیمی از دلش را گم کرده است؛ انگار دیوارهای پاسگاه روی دلش رمیده و آن را در میان خس و خاشاک له و لورده کرده‌اند.» (روانی‌پور، ۱۳۸۴)

«زنان آبادی پسین تنگ، وقتی سر چاه می‌رفتند، رو به روی پاسگاه که می‌رسیدند، مینار بر صورت می‌کشیدند و روی برمی‌گرداندند... زن‌ها از سر چاه ساکت برمی‌گشتند، انگار صدایشان گم شده بود و ترانه‌هایشان را از یاد برده بودند.» (روانی‌پور، ۱۳۸۴)

«خجیو که حافظه‌اش را از دست داده بود و ترانه‌هایش را فراموش کرده بود، دست به دامان سرهنگ تبعیدی، برای اولین بار در حضور جمع گریه کرد.» (روانی‌پور، ۱۳۸۴)

۳-۵. سدسازی

سدسازی در کنار فوایدش برای بشر، اثرات مخربی نیز بر محیط‌زیست دارد؛ از جمله: تشدید فرسایش در مسیر رودخانه پایین‌دست، خروج آب گل‌آلود حاوی مواد رسوبی به روی مناطق پایین‌دست سد و محیط‌زیست منطقه، تغییرات سطح آب زیرزمینی، ایجاد زمین‌لرزه‌های القایی، تأثیر دریاچه سد بر آب‌وهوا با تشکیل مه و بالا بردن نم نسبی در محدوده دریاچه، ایجاد برخی تغییرات جوی، شور شدن اراضی کشاورزی، اثر دریاچه سد بر جوامع حیوانی و نباتی منطقه که باعث مهاجرت حیوانات و نابودی بعضی از گونه‌ها می‌شود، توقف زادوولد ماهی‌های مهاجر، تأثیر احداث سد بر روستاهای مجاور که در دریاچه سد غرقاب می‌شوند و با مهاجرت باعث افزایش جمعیت شهرها می‌شوند، ایجاد آلودگی صوتی با ورود دستگاه‌ها و ماشین‌آلات ساخت سد و ... (پیرستانی و شفقتی، ۱۳۸۸)

در زمان اهل غرق، صاحبان قدرت برای به دست آوردن سود بیشتر، بدون توجه به زیان‌هایی که سدسازی می‌تواند برای طبیعت و مردم داشته باشد، دست به احداث سد می‌زنند که ره‌آوردش برای مردم، خشک‌سالی یا سیل، فقر و فلاکت و قحطی است. «سرانجام روزی از روزهای قحط‌سالی، دکتر عادل‌ی سرهنگ تبعیدی ارتش، به زائر خبر داد که گویا یکی از والاحضرت‌ها می‌خواهد برای بازدید به شهر بیاید. دکتر به زائر که هنوز نمی‌دانست چه نسبتی می‌تواند بین باران و والاحضرت باشد، گفت: «باید بدون این‌جا چه می‌گذره، اونا مسئول تشنگی و گشنگی مردمن.»» (روانی‌پور، ۱۳۸۴)

مه‌جمال تصور می‌کرد، دولتیان با کندن کوه و ایجاد سد و استخراج نفت، زمین را اسیر کرده‌اند و دریا را به بند کشیده‌اند:

«مه‌جمال با هر صدای دوردستی که می‌شنید، گوش‌هایش را می‌گرفت و دور خود می‌پیچید، انگار گوشت تنش را به تاراج می‌بردند. زمین دست می‌خورد. زمین مثل آبی کوچکی که در چنگال بوسلمه بیفتد و هیچ‌ره می‌کشید...» (روانی‌پور، ۱۳۸۴)

«شاید قانون خیال دارد دیواری بلند جلوی دریا بکشد تا دیگر هیچ کس نتواند دریا را ببیند... چه بسا که با دیواری سخت و سیمانی، مثل دیوارهای زندان که مه‌جمال و دیگر مردان در شهر دیده بودند، بخواهند دریا را زندانی کنند.» (روانی‌پور، ۱۳۸۴)

یکی از اثرات سدسازی، خشک‌سالی است و در اهل غرق، خشک‌سالی، مرگ و میر گسترده حیوانات، پرندگان، گیاهان و پریشانی و زمین‌گیر شدن انسان‌ها را در پی دارد و بر تخیل، حافظه، زبان و ترانه‌های انسان‌ها اثر می‌گذارد و باعث کم شدن تردّد، گرسنگی و تشنگی و حتی مرگ انسان‌ها می‌شود:

«به‌زودی آبادی پر از لاشه مرغان دریایی تشنه‌ای شد که از بی‌آبی بال‌بال می‌زدند و می‌مردند. شب‌ها از روی دریا صدای گریه اهل غرق می‌آمد که بوی خشک‌سالی را شنیده بودند و برای ساکنین زمین گریه می‌کردند. آدمی چه اهل غرق باشد چه اهل زمین، عقلش را در خشک‌سالی گم می‌کند... تشنگی حافظه آدمی را به تاراج می‌برد.» (روانی‌پور، ۱۳۸۴)

«خشک‌سالی تردّد آدم‌ها را کم کرد. شترها خسته با لب‌های به تاول نشسته، نرسیده به آبادی می‌مردند و بیماران خود را میان کوره‌راه‌ها، زیر سایه نخل‌های خشکیده بر جای می‌گذاشتند.» (روانی‌پور، ۱۳۸۴)

«زمین ترک برمی‌داشت و مه‌جمال با لب‌های به تاول نشسته زمین، زمین‌گیر می‌شد؛ کجاست آن گل‌های کوچک آبی که در صحرای جفره سر از زمین بیرون می‌آورد و می‌خندید.» (روانی‌پور، ۱۳۸۴)

۶. نقش زمینه در اهل غرق

در نقد ادبی گذشته، توجه به «زمینه» یا "Setting" مطرح بوده است؛ اما گستره و وضوح موردنظر در نقد بوم‌گرا را نداشته است. در دیدگاه‌های مختلف نقد ادبی، زمینه معانی متفاوتی دارد؛ واژه‌نامه آبرامز، "Setting" یا زمان و مکان یک اثر روایی یا نمایشی را مکان کلی، دوره تاریخی و شرایط اجتماعی تعریف می‌کند که وقایع داستان در آن رخ

می‌دهد (آبرامز، ۱۳۸۴)؛ اما در نقد بوم‌گرا اصطلاح «زمان و مکان» جایگزین محیط‌زیست می‌شود. یکی از دلایل اهمیت نقش مکان و زمینه در داستان به سبب تأثیری است که بر دیگر عناصر داستان از جمله زبان، شخصیت‌پردازی، حوادث و صور خیال دارد. توجه به محیط طبیعی در مبحث ادبیات اقلیمی، اهمیت بیشتری دارد. (پارساپور، ۱۳۹۲) در همین راستا در رمان اهل غرق نیز که جزو ادبیات اقلیمی فارسی محسوب می‌شود، مکان و طبیعتی که نویسنده، خود در آن زندگی کرده است، بر داستان سایه افکنده و تبدیل به زمینه اصلی داستان شده است. زمینه‌ای که نه تنها به عنوان یکی از عناصر اصلی داستان، بلکه به عنوان عامل اصلی پیشبرد حوادث و شخصیت‌ها قابل بررسی است؛ باورهای اسطوره‌ای که اساس اهل غرق را شکل می‌دهد، بی‌شک ارتباط بی‌واسطه‌ای با مکان دارد؛ حافظه، تخیل و روابط انسان‌ها با یکدیگر و با جامعه در رمان، بسته به زمینه و مکان شکل گرفته است؛ فضای داستان، حالت‌ها و احساسات شخصیت‌ها در بستر مکان قالب گرفته است؛ ترس و وحشت شخصیت‌ها از دریا، دل‌بستگی و عشقشان به طبیعت روستاشان و همچنین غم و شادی‌شان بسته به محیط و زمینه داستان است.

بحث و نتیجه‌گیری

با بررسی رمان اهل غرق منیر و روانی‌پور بر اساس نقد بوم‌گرا، می‌توان به این نتیجه رسید که در این رمان، طبیعت فقط مکان رویداد حوادث تلقی نمی‌شود؛ بلکه به عنوان بستر و زمینه اصلی داستان، خود عامل رویدادها و پیشبرد حوادث است و به طور مستقیم بر شخصیت‌ها تأثیر می‌گذارد و متقابل تحت تأثیر انسان‌ها و تصمیمات آن‌ها قرار می‌گیرد. در پاسخ به پرسش اول تحقیق، یعنی نوع دیدگاه و رویکرد اثر نسبت به محیط‌زیست، باید گفت در داستان اهل غرق، دو رویکرد اساسی به محیط‌زیست و طبیعت وجود دارد: در رویکرد نخست، نویسنده از چهره غیرقابل کنترل طبیعت و ترس و وحشت و سرگردانی بشر و چالش همیشگی انسان با محیط پیرامونش سخن می‌گوید و در نهایت، یافتن راه‌هایی برای مسالمة با طبیعت را مطرح می‌کند؛ مردم جفره برای زنده ماندن به ناچار باید بر بهارخوابشان از دریا غلبه کنند و راهی بیابند تا با تسلیم کردن خود در مقابل دریا و

ساکنانش، نان و آرامششان را تأمین کنند. در داستان گاه شخصیت‌ها خود را در مقابل قدرت دریا به‌عنوان بخشی از حیات وحش مطیع و ناتوان می‌دانند؛ اما گاهی این طبیعت است که به‌ناچار در مهار انسان و قدرت‌طلبی او قرار می‌گیرد. در رویکرد دیگر، شخصیت‌ها شیفته و دل‌بسته طبیعت‌اند؛ به‌گونه‌ای که تصور می‌شود خود، بخشی از طبیعت‌اند و با آسیب رساندن به طبیعت، گویی جسم و روحشان آسیب‌دیده است و همین دیدگاه است که شخصیت‌های داستان را به مبارزه علیه انسان‌هایی وامی‌دارد که قصد آسیب رساندن به محیط‌زیست و دست‌درازی به دامان طبیعت را دارند؛ انسان‌های مهاجم بی‌هیچ ملاحظه و دل‌بستگی به طبیعت و محیط‌زیست و برای اجرای احکام اهالی قدرت، از هیچ آسیب و دست‌درازی واهمه ندارند و با استخراج نفت، سدسازی و جاده‌سازی، طبیعت بکر روستا را دستخوش تغییر و آلودگی می‌کنند که نتیجه‌اش به‌طور مستقیم بر محیط‌زیست، زندگی شخصیت‌های داستان و دیگر جانداران اثر می‌گذارد. نویسنده با به تصویر کشیدن ویرانی‌هایی که انسان‌ها خودخواهانه مرتکبش می‌شوند، در ذهن خواننده، نسبت به مسائل محیط‌زیستی حساسیت ایجاد می‌کند و این یکی از اهداف اصلی نقد بوم‌گراست. در پاسخ به پرسش دوم نقد بوم‌گرا یعنی نقش محیط‌زیست و طبیعت در شکل‌گیری اثر ادبی، باید گفت در این اثر، طبیعت و محیط‌زیست را نمی‌توان تنها به‌عنوان یک عنصر که به اندازه دیگر عناصر داستان نقش دارند، در نظر گرفت؛ بلکه باید اذعان کرد که موضوع اصلی داستان در این اثر، خود طبیعت و محیط‌زیست است و همه شخصیت‌ها و حوادث، در خدمت این موضوع اساسی شکل گرفته‌اند؛ طبیعت در این داستان، بر صور خیال، زبان، شخصیت‌پردازی و حوادث داستان به‌طور مستقیم تأثیر گذاشته است.

تعارض منافع


تعارض منافع ندارم.

ORCID


Fatemeh Shahbazi

 <http://orcid.org/0000-0002-4005-3874>


Mansoureh Tadaioni

 <http://orcid.org/0000-0003-1125-771X>

Sima Mansouri

 <http://orcid.org/0000-0001-9276-4582>

Masoud Pakdel

 <http://orcid.org/0000-0002-2532-0639>

منابع

- آبرامز، هایروارد. (۱۳۸۶). *فرهنگ اصطلاحات ادبی*. ترجمه سیامک بابایی. تهران: انتشارات جنگل.
- آلتمن، ایروین. (۱۳۹۵). *محیط و رفتار اجتماعی*. ترجمه علی نمازیان. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- بنسون، جان. (۱۳۹۳). *اخلاق محیط زیست*. ترجمه عبدالحسین وهابزاده. تهران: جهاد دانشگاهی مشهد.
- پارساپور، زهرا. (۱۳۹۱). بررسی ارتباط انسان با طبیعت در شعر. *مجله ادب فارسی*، ۲(۱)، ۷۷-۱۰۰.
- _____ (۱۳۹۱). نقد بوم گرا، رویکردی نو در نقد ادبی. *فصلنامه نقد ادبی*، ۵(۱۹)، ۷-۲۶.
- _____ (۱۳۹۲). *درباره نقد بوم گرا*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- _____ (۱۳۹۲). *نقد بوم گرا*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- پیرستانی، محمدرضا و شفقی، مهدی. (۱۳۸۸). بررسی اثرات زیست محیطی احداث سد. *فصلنامه نگرش های نو در جغرافیای انسانی*، ۱(۳)، ۳۹-۵۰.
- تسلیمی، علی. (۱۳۹۳). *گزاره هایی در ادبیات معاصر ایران*. تهران: نشر اختران.
- جعفری (قنواتی)، محمد. (۱۳۹۷). *درآمدی بر فولکلور ایران*. تهران: انتشارات جامی.
- جعفری، حمیدرضا و لطفی جلال آبادی، علی. (۱۳۸۳). ارزیابی آثار محیط زیستی فعالیت های نفتی فلات قاره خلیج فارس. *مجله محیط شناسی*، ۳۰(۳۴)، ۵۵-۶۳.
- حیبی نسامی، مرتضی. (۱۳۹۳). بررسی بوم گرایانه با شیرو، اثر محمود دولت آبادی. *مجله ادبیات معاصر فارسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*، ۴(۴)، ۹۵-۱۱۵.
- خانی، نرگس و کوبی، مرتضی. (۱۳۹۳). *بالاخره افسانه چیست؟*. *مطالعات کتابداری و علم اطلاعات*، ۲۱(۲)، ۳۷-۵۲.
- روانی پور، منیرو. (۱۳۸۴). *اهل غرق*. تهران: نشر قاصه.

- سن، آمارتیا کومار. (۱۳۹۶). *توسعه یعنی آزادی*. ترجمه محمد سعید نوری نائینی. تهران: نشر نی.
- سید حسینی، رضا. (۱۳۹۴). *مکتب‌های ادبی*. ج ۱. تهران: انتشارات نگاه.
- صادقی شهپیر، رضا. (۱۳۹۷). *اقلیم داستان نویسی*. تهران: نشر ورا.
- عمارتی مقدم، داوود. (۱۳۸۷). *اکو کریتیسیم*. فصلنامه نقد ادبی، ۱(۴)، ۱۹۵-۲۰۶.
- کمبل، ژوزف. (۱۳۹۸). *قدرت اسطوره*. ترجمه عباس مخبر. تهران: نشر مرکز.
- مرادی، نفیسه و حسینی، مریم. (۱۳۹۴). *کارکرد اسطوره در گفتمان پسااستعماری رمان فارسی (با تحلیل سه رمان سووشون، رازهای سرزمین من، اهل غرق)*. فصلنامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی، ۱۳(۳۷)، ۸۹-۱۱۶.
- مودودی، محمد ناصر. (۱۳۹۰). *بوم‌نقد جنبشی میان‌رشته‌ای بین دو حوزه محیط‌زیست و ادبیات*. کتاب ماه علوم و فنون، ۲(۹)، ۱۲-۱۸.
- مونسان، فرزانه، تسلیمی، علی، خائفی، عباس و خزانه‌دارلو، محمدعلی. (۱۳۹۳). *بینش اساطیری در آثار منیر و روانی پور*. فصلنامه ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی، ۱۰(۳۷)، ۳۰۳-۳۳۷.
- میرعابدینی، حسن. (۱۳۸۷). *صدسال داستان‌نویسی ایران*. ج ۳ و ۴. تهران: نشر چشمه.
- الیاده، میرچا. (۱۳۹۳). *اسطوره و واقعیت*. ترجمه مانی صالحی علامه. تهران: نشر کتاب پارسه.

References

- Age, Amartiacumar. (2017). *Development Means Freedom*. Translated by Nouri Naeini, M. S. Tehran: Ney. [In Persian]
- Abrams, H. (2007). *Dictionary of Literary Terms*. Translated by Babaei, S. Tehran: Jangal. [In Persian]
- Altman, I. (2016). *Environment and Social Behavior*. Translated by Namazian, A. Tehran: Shahid Beheshti University Press. [In Persian]
- Amartim Moghaddam, D. (2008). *Eco-Criticism. Literary Criticism Quarterly*, 1(4), 195-206. [In Persian]
- Benson, J. (2014). *Environmental Ethics*. Translated by Vahabzadeh, A. Tehran: Mashhad University Jihad. [In Persian]
- Bluefarb, S. (1959). *The Sea-Mirror and Maker of Character of Fiction and Drama*. *The English Journal*, 48(9), 501-10.

- Campbell, J. (2019). *The Power of Myth*. Translated by Mokhber, A. Tehran: Markaz. [In Persian]
- Eliade, M. (2014). *Myth and Reality*. Translated by Allameh, M. S. Tehran: Ketabe Parseh. [In Persian]
- Habibi Nesami, M. (2014). An Ecological Study with Shabiro, by Mahmoud Dolatabadi. *Journal of Contemporary Persian Literature, Institute of Humanities and Cultural Studies*, 4(4), 95-115. [In Persian]
- Jafari (Qanawati), M. (2018). *An Introduction to Iranian Folklore*. Tehran: Jami. [In Persian]
- Jafari, H., Lotfi Jalalabadi, A. (2004). Assessment of the Environmental Effects of Oil Activities on the Persian Gulf Continent. *Journal of Environmental Studies*, 30(34), 55-63. [In Persian]
- Khani, N., Kokabi, M. (2014). After all, what is a Myth?. *Library and Information Science Studies*, 21(2), 37-52. [In Persian]
- Moradi, N., Hosseini, M. (2015). The Function of Myth in the Postcolonial Discourse of the Persian Novel (with an Analysis of Three Suoshun Novels, *The Secrets of My Land*, *The Drowned*). *Persian Language and Literature Research Quarterly*, 13(37), 89-116. [In Persian]
- Mawdudi, M. (2011). Interdisciplinary Kinematic Ecology between the two Fields of Environment and Literature. *Book of the Month of Science and Technology*, 2(9), 12-18. [In Persian]
- Munesan, F., Taslimi, A., Khaefi, A., Khazaneh Darloo, M. (2014). Mythical Insights in the Works of Moniro Ravanipour. *Quarterly Journal of Mystical Literature and Mythology*, 10(37), 303-337. [In Persian]
- Mir Abedini, H. (2008). *One Hundred Years of Iranian Fiction*. Vol 3 & 4. Tehran: Cheshmeh. [In Persian]
- Parsapour, Z. (2012). Study of the Relationship between man and Nature in Poetry. *Journal of Persian Literature*, 2(1), 77-100. [In Persian]
- _____. (2012). Ecological Criticism, a New Approach to Literary Criticism. *Literary Criticism Quarterly*, 5 (19), 7-26. [In Persian]
- _____. (2013). *About Ecological Criticism*. Tehran: Institute of Humanities and Cultural Studies. [In Persian]
- _____. (2013). *Eco-Criticism*. Tehran: Institute of Humanities and Cultural Studies. [In Persian]
- Pirastani, M., Shafaghi, M. (2009). Study of the Environmental Effects of dam Construction. *Quarterly Journal of New Attitudes in Human Geography*, 1(3), 39-50. [In Persian]
- Ravanipur, M. (2005). *Ahl-e Gharq*. Tehran: Qesseh. [In Persian]
- Seyed Hosseini, R. (2015). *Literary Schools*. Vol. 1. Tehran: Negah. [In Persian]
- Sadeghi Shahpir, R. (2018). *Climate of Fiction*. Tehran: Vara. [In Persian]

Taslimi, A. (2014). *Propositions in Contemporary Iranian Literature*.
Tehran: Akhtaran. [In Persian]



استناد به این مقاله: شهبازی، فاطمه، تدینی، منصوره، پاکدل، مسعود و منصوری، سیما. (۱۴۰۱). نقد بوم‌گرایانه
رمان اهل غرق منیرو روانی‌پور. *متن پژوهی ادبی*، ۲۶(۹۴)، ۲۳۳-۲۶۰. doi:
10.22054/LTR.2020.48847.2904



Literary Text Research is licensed under a Creative Commons
Attribution-NonCommercial 4.0 International License.